

دولت ناظر و دلار سرکش!

صفحه ۲

سفارتخانه‌ها در تهران چه می‌کنند؟

صفحه ۲



آیا مدیرکل آژانس در سفر به تهران دانشمندان ایرانی را استنطاق می‌کند؟

آمانو امروز در کمیسیون برجام

صفحه ۲



روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

تیتراهای امروز

فاز جدید جنگ یمن

گسترده‌تر شدن حملات زمینی سعودی‌ها بمباران سفارت عمان در صفا و فرار قریب‌الوقوع اماراتی‌ها جنبش انصارالله برای دفاع از مأرب فراخوان عمومی صادر کرد



صفحه ۱۵

دم خروس کم‌کم بیرون می‌آید

عامل سوری ناظر برجام!

صفحه ۲

برای اکران تاریخی فیلمی تاریخی چه کنیم؟

یاری محمد (ص)

در اکران جهانی

صفحه ۱۲

رئیس سازمان امداد و نجات اعلام کرد

۱۲ نفر قربانی سیلاب

صفحه ۴

نگاه امروز

فضای مجازی و فرصت‌های حقیقی در حال گذار

دکتر سعید ملکی

جهان کنونی عرصه‌ای است که در آن مولتی‌مدیا چون فناوری و گسترش ارتباطات دارای شتابنده‌ترین روندهای رشد و تحول است. فصل مشترک این ۲ مقوله، فناوری ارتباطات و اطلاعات است که تحت تأثیر ضروریات سریع یادشده هر روز شاهد تحولی نو و پیشرفت است به طوری که حتی یک روز دراز زدن در آن به مثابه گودی پرقابلیت، جبران‌ناشدنی می‌نماید. در حال حاضر مهم‌ترین عرصه بروز تحولات و پیشرفت‌های سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، فضای مجازی است که روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود و به تدریج سایه خود را بر زندگی حقیقی انسان‌هاستگین‌تر می‌سازد.

درک و شناخت عمیق از مختصات و ویژگی‌های این فضا و نیز الزامات کنشگری فعالانه و هدفمند در آن سبب شد حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در روزهای میانی شهریورماه در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای شورایی فضای مجازی با تأکید بر لزوم استفاده از توانایی‌ها و استعدادهای جوان کشور و سیاستگذاری صحیح و اقدامات سنجیده و هماهنگ و بدون از دست دادن زمان، ضرورت‌های خروج از حالت انفعال در عرصه فضای مجازی را یادآور شوند. فرمایشات رهبر عالی نظام در این زمینه ترسیم‌کننده نقشه راهی است که باید در زمینه سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های تحول‌کنشگری فضای مجازی در دستور کار مسئولان کشور قرار گیرد. همچنان که اشاره شد، شتاب در این زمینه نخستین شرط عمل بر مبنای نقشه راه یادشده است.

با توجه به سهم ایران در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات جهانی، این واقعیتی تاسف‌آور است که جامعه مجازی کشور ما طی سال‌های گذشته تنها بازاری برای مصرف محصولات فناورانه و منبعی برای تغذیه اطلاعاتی شبکه‌ها و سیستم‌های هدفمند غربی بوده و به عبارتی صحیح، به ورطه انفعال اطلاعاتی - ارتباطاتی افتاده است. طی سال‌های اخیر جامعه مجازی ایران در چارچوب‌های مورد نظر قاعده‌پردازان و محتواسازان فضای سایبری که بیشتر در کنترل سازمان‌های غربی بوده حرکت کرده که این حرکت نیز با فاصله‌های معنادار و چند گام عقب‌تر صورت گرفته است.

ادامه در صفحه ۵

وجود برخی نام‌ها در رأس آن نشان از اهمیت نقش تعریف‌شده در عرصه «سیاست خارجی غرب» دارد. «سر ریچارد دالتون»، دیپلمات ارشد و شوالیه انگلیسی چتم هاوس، «جکاستراو» وزیر اسبق خارجه انگلیس، نورمن لامونت وزیر اسبق بازرگانی انگلیس، هوبرت ودرین وزیر پیشین خارجه فرانسه و هیلاری کلینتون و مادلین آلبرایت وزرای پیشین خارجه آمریکا، پشت‌پرده کمیته بازاریابی آمریکایی - انگلیسی نفت و گاز ایران در لندن قرار دارند و از ارتباطات مالی گسترده‌ای با لابی‌های اقتصادی دلای مذکور برخوردارند.

اقتصاد پیش‌مرگ سیاست

به طور مثال نورمن لامونت از مدیران چند صندوق سرمایه‌گذاری انگلیسی - آمریکایی از جمله «گروه بالی» به شمار می‌رود. گروه بالی از طریق علاقیبند، مدیر ارشد خود، تاکنون میلیون‌ها دلار خرج کمپین انتخاباتی هیلاری کلینتون کرده است! همچنین مجموعه لامونت پیش از این بیش از ۹۰۰ هزار دلار خرج پروژه «اشتی ایران و آمریکا» وزارت خارجه اوپاما کرده است. از طرفی گروه بالی به طور همزمان از روابط ویژه‌ای با کارگزاران غربی ایران برخوردار است و سهم عمده‌ای از ثروت و نفوذ خود را از صنعت نفت و گاز ایران کسب کرده است.

الی گرانپایه، عضو شورای روابط خارجی اروپا می‌گوید: «حضور در ایران بسیار به نفع بریتانیاست، چرا که میز ایران بدون تماس با جامعه و سیاستمداران این کشور نمی‌تواند به وظایف خود عمل کند. جمع‌آوری اطلاعات از داخل ایران به نفع آمریکا و اسرائیل است. ما فقط در موضوع هسته‌ای جدی نیستیم و خواهان مشارکت در اقتصاد ایران هستیم و باید با سندروم استعماری دایی‌جان ناپلئون در داخل ایران مبارزه کنیم».

ریچارد دالتون، سرکنسول انگلیس در اسرائیل و سفیر این کشور در تشکیلات خودگردان فلسطین که در روند به اصطلاح صلح خاورمیانه، بسیار موثر بود و در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ سفیر انگلیس در ایران بوده، در رابطه با اهمیت برقراری

ارتباط سیاسی - اقتصادی ایران و انگلیس می‌گوید: «مهم‌تر از روابط ایران و آمریکا، بازسازی اعتبار انگلیس در خاورمیانه است».

او به همراه وزرای نام برده شده، از مدیران رسمی «بزرگ‌ترین نشست بانکها و شرکت‌های ایرانی برای جلب سرمایه‌گذاران اروپایی در لندن» بود که سال گذشته برگزار شد! کنفرانسی که وزارت خارجه انگلیس رسماً از آنجا در دولت این کشور را تکذیب کرد و در عین حال نپاوندیان، رئیس دفتر روحانی پیمایی حمایت‌آمیز برای دیپلمات‌های ارشد برگزارکننده آن فرستاد!

هدف اصلی از برگزاری شوهایی به اصطلاح «جذب سرمایه‌گذار خارجی» ایران در لندن همان است که دالتون و استراو بر آن تأکید دارند. انگلیس می‌خواهد «کلیددار ورود و خروج کشورها» به بازار ایران باشد و مناسبانه هم‌اکنون ایران در رسمیت‌بخشی به این تحلیل نقشی مهم و داوطلبانه ایفا می‌کند!

از طرفی این شاید بزرگ‌ترین کلاه‌های باشد که بر سر جبهه غربگرایان ایران رفته، چرا که ابتدا حجم زیادی از منابع ملی را به عنوان «باج» به آمریکایی‌ها پرداخت کردند و سپس در رویه‌ای غیرعادی اصرار به پرداخت «باج مضاعف» به انگلیسی‌ها دارند! حتی در این میان برای دل‌های اروپایی نیز سهمی ویژه در نظر گرفته‌اند و حق استعمار و استثمار نیمه‌ورشکسته‌ها و ضعفا اروپایی همچون هلند، بلژیک، ایتالیا و... را هم رسمیت بخشیده‌اند!

بازار ایران هدیه به ضعفا اروپا!

در اقتصاد حرف اول «سودآوری تصمیمات» است. اگر مبنای افزایش بی‌حساب و کتاب واردات از اروپا و آمریکا در دوره‌های مختلف به قدرت رسیدن غربگرایان در ایران، قربانی کردن اقتصاد پای سیاست خارجی نیست، پس چطور آقایان آمرهای ذیل را توجیه می‌کنند؟! براساس آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران در ۵ ماه نخست ۹۴، محصولات اساسی کشاورزی همچنان در صدر کالاهای وارداتی قرار

دارند و ۵ کالای «ذرت دامی» به قیمت ۵۲۸ میلیون دلار، «برنج» به قیمت ۲۵۴ میلیون دلار، «کنجاله سویا» به قیمت ۳۳۸ میلیون دلار، «دانه سویا» به قیمت ۳۲۷ میلیون دلار و «گندم» به قیمت ۲۹۱ میلیون دلار عمده محصولات وارداتی کشور در این مدت به شمار می‌روند. اما نکته قابل توجه مبادی وارداتی عمده محصولات اساسی کشور است. محصولات اساسی مذکور در حالی از هلند، سوئیس، انگلستان، آلمان، ایتالیا و... وارد شده‌اند که امکان خریداری آنها از کشورهای منطقه و همسایه چون قزاقستان و روسیه با قیمت پایین‌تر به علت هزینه حمل‌ونقل کمتر وجود دارد این مساله صریحاً خلاف بند دوازدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که در آن اشاره شده است: «افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان».

استقلال و سیاست خارجی وابسته

به همین جهت است که مضرات یک سیاست خارجی غیر مستقل که به جز حراج منابع و منافع ملی، برنامه دیگری برای برقراری ارتباط با دنیا ندارد، حتی می‌تواند به علت تیز کردن دندان طمع کشورهای که از منظر رتبه قدرت در موضع ضعیف‌تری از دولت هدف قرار دارند، از مقابله با «جنگ مستقیم» نیز خطرناک‌تر باشد، چرا که «تهدید به جنگ» ذاتاً کشورهای اروپایی را به علت قرار گرفتن در موقعیت اقتصادی و سیاسی پایین‌تر و وابستگی به منابع انرژی خاورمیانه، از طمع‌ورزی منصرف می‌کند و به عبارتی دست خالی آنها را در استعمارورزی بی‌بشواتانه قدرت، به نمایش می‌گذارد اما وادادگی در عرصه سیاست خارجی «باج‌خواهی» را به «حق عمومی» همه اعضای کلوب تبدیل کرده و صف باج‌خواهان را طولانی و طولانی‌تر می‌کند! علاوه بر آن با در پیش گرفتن چنین سیاستی، رونق اقتصادی که هیچ، باید انتظار ادامه روند

ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و تحلیل رفتن زیرساخت‌های پرهزینه و گران‌قیمت ایرانی را داشته باشیم که به واسطه کاهش تولید، به تدریج از دور خارج می‌شوند. جالب اینجاست که در عین حال شعار می‌دهند هدف از معامله منافع ملی در حوزه «هسته‌ای»، جذب سرمایه‌گذار خارجی و فروش بیشتر نفت و گاز است در حالی که منابع نفت و گاز را هم همچون هسته‌ای و سایر زیرساخت‌های اقتصادی پیش‌تر در زدو بند با دیپلمات‌های عالی‌رتبه و دلالان دون‌پایه، پیش‌فروش کرده و خرج سیاست خارجی پرهزینه و کم‌بازده غیربومی کرده‌اند.

بورس و بازار بیمار

با درک اصول سیاست خارجی غربگرایان ایرانی، تحلیل وضعیت اقتصادی غیرقابل دفاع کشور در شرایط به اصطلاح «ساتریم» و بورس و بازار، کار چندان مشکلی نیست. آنها نه «زبان بین‌الملل» را بهتر از قبلی‌ها می‌شناسند و نه بر خلاف کمپزهای گراف، بهره‌هوشی ویژه‌ای در حوزه سیاست دارند! تنها مزیت نسبی سیاستمداران غربگرای ایران به دیگران، به رسمیت شناختن «حق باج‌خواهی» و «استثمار» غرب است!

بسر این اقلیت پرهزینه در انکار منابع و منافع قدرت ملی و تضعیف ساختارهای ابرقدرتی کشور همچون سپاه و ارتش و تولیدکنندگان داخلی و کارشکنی در برابر سیاست‌های بومی قدرت‌افزین همچون «اقتصاد مقاومتی» است. معامله با دشمن و پرداخت «حق دلای» به همه رابطان دون‌پایه، با هدف تثبیت قدرالسهم استثمار بیگانه در حوزه منافع ملی به منظور کسب حمایت خارجی برای تضمین «دوام سیاسی» از سیاست‌های رسمی این سیاستمداران «بی‌وطن» است. حال حساب کنید در چنین شرایطی «کلاه وطن» و «ملی‌گرایان» و حامیان استقلال کشور کجای معرکه است! درک این مار و پله خطرناک و کشف چنین پازل هولناکی بهترین مسیر برای رمزگشایی از مفاد برجام و نقش چک‌استرو در کنفرانس بازاریابی برای صنعت نفت و گاز ایران در لندن است!

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در ریچه انعکاس پیام‌های شما از سراسر کشور